

Sociological Analysis of Subjective Well-Being of Tehranian Families and Providing a Model

Mitra Kheirani

Department of Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Bagher Saroukhani

Department of Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Corresponding author). E- mail: sarokhani@ut.ac.ir

Mehrdad Navabakhsh

Department of Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Mental well-being is defined as an individual's description of their level of happiness, satisfaction with their quality of life, or the frequency of positive mood and happiness. The present article was done with the aim to sociologically analyze the subjective well-being of Tehranian families and provide a model. The research method was qualitative. The statistical population was formed by experts in the field of family sociology and social welfare in Tehran in 2023. The sample case of qualitative phase up to theoretical saturation was 15 experts who were selected in snow-sampling way. The data was gathered through semi- structural interviews. The validity of questionnaire was inner validity and the reliability was gained through re-test reliability. The data was analyzed in "content analysis" method. According to the obtained results, among 236 initial codes, 70 categorized codes, 14 sub-themes and 4 basic themes were identified, and from sociological perspective, four subjective well-being were analyzed: 1. Individual feeling of merriment and happiness, 2. Collective feeling of merriment and happiness, 3. Individual subjective quality of life, 4. Collective subjective quality of life and the desired model was presented.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *Subjective Well-being, Merriment and Happiness Feeling, Subjective Quality of Life, Families.*

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال هفدهم، شماره شصت و ششم، بهار ۱۴۰۴

ص ص ۴۰-۶۱

«مقاله پژوهشی»

تحلیل جامعه‌شناختی رفاه ذهنی خانواده‌های تهرانی و ارائه الگو^۱

میترا خیرانی^۲

باقر ساروخانی^۳

مهرداد نوابخش^۴

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۴/۴/۲۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۲/۱۰

چکیده

رفاه ذهنی، توصیف افراد از میزان خوشبختی، رضایت از کیفیت زندگی یا فراوانی خلق مثبت و شادکامی تعریف شده است. هدف مقاله حاضر، تحلیل جامعه‌شناختی رفاه ذهنی خانواده‌های تهرانی و ارائه الگو بود. روش تحقیق از نوع کیفی بود. جامعه آماری را خبرگان در حوزه جامعه‌شناسی خانواده و رفاه اجتماعی شهر تهران در سال ۱۴۰۱ تشکیل دادند. حجم نمونه ۱۵ نفر تا رسیدن به اشباع نظری به روش گلوله‌برفی بود. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته استفاده شد. جهت سنجش اعتبار پرسشنامه از اعتبار درونی و برای سنجش پایایی از پایایی بازآزمون استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از روش «تحلیل مضمون» استفاده شد. از بین ۲۳۶ کد اولیه، ۷۰ کد طبقه‌بندی شده، ۱۴ مضمون فرعی و ۴ مضمون اصلی برای رفاه ذهنی خانواده‌های تهرانی از دیدگاه جامعه‌شناختی شامل: ۱. احساس نشاط و شادی فردی، ۲. احساس نشاط و شادی جمعی ۳. کیفیت زندگی ذهنی فردی، ۴. کیفیت زندگی ذهنی جمعی شناسایی و تحلیل شد و الگوی مورد نظر ارائه شد.

واژگان کلیدی: رفاه ذهنی، احساس نشاط و شادی، کیفیت زندگی ذهنی، خانواده.

۱. مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی گرایش گروه‌های اجتماعی تحت عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی سرمایه فرهنگی و رفاه ذهنی خانواده‌های تهرانی (زوجین) در سال ۱۴۰۰» می‌باشد.

۲. گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. E-mail: mitra.kheirani@iau.ac.ir

۳. گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: sarokhani@ut.ac.ir

۴. گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. E-mail: navabakhsh@srbiau.ac.ir

مقدمه

مهم‌ترین نهاد اجتماعی هر جامعه‌ای خانواده^۱ است. خانواده برای انجام رسالت‌های کلیدی‌اش باید کانونی پر از مهر، محبت، آرامش و احساس امنیت و نشاط باشد(۱). در جامعه شهری ایران، افراد به حدی خود را غرق در خواسته‌های خود کرده‌اند که از زندگی معمول خویش نیز لذت نمی‌برند. چرا که این افراد نحوه شاد زیستن را نیاموخته‌اند. همیشه خود را درگیر خواسته‌ها و بلندپروازی خود کرده و از زندگی روزانه خود به امید دستیابی به ثروت بیشتر؛ کسب مقام بالاتر و یا دستیابی به علم و دانش افزون‌تر غافلند. این گونه از خانواده‌ها علی‌رغم دارا بودن مقام و ثروت و درجات بالای علمی؛ هنوز چیزی در زندگی خود کم دارند که برای دستیابی به آن؛ همه زندگی خود را فدا کرده و به نوعی امروز خود را فدای فردای نیامده کرده‌اند. بازتاب چنین رفتاری موجب از دست دادن تعادل بدن و نهایتاً بیماری جسمانی و روانی آن‌ها گشته، در نتیجه با هر موفقیتی احساس شادی و رضایت از زندگی نمی‌کنند. بنابراین در دو دهه اخیر و با توجه به مشاهده چنین معضلاتی در زندگی افراد و خانواده‌ها؛ به ویژه خانواده‌های دارای رفاه عینی، توجه به مسأله رفاه ذهنی^۲ قوت گرفته است و این همان دغدغه محققین جهت ترغیب به انجام تحقیق حاضر می‌باشد.

توجه به رفاه ذهنی یکی از تحولات معمول در خانواده‌های امروزی می‌باشد. در حقیقت توجه به رفاه ذهنی در قالب خانواده از اهمیت زیادی برخوردار است. اعضای خانواده اعم از پدر، مادر و فرزندان با توجه به موقعیت اجتماعی خود انتظاراتی از زندگی دارند که در صورت دستیابی به آن‌ها احساس رضایت کرده و به گونه‌ای دارای رفاه ذهنی خواهند بود.

تا چند دهه پیش اعضای خانواده بالاخص مرد خانواده به دنبال کسب رفاه عینی^۳ و کسب درآمد مالی در جامعه بود و برای رفاه حال اعضای خانواده تلاش می‌کرد. با گذشت زمان و همزمان با ظهور تکنولوژی و مدرنیته، سبک زندگی در خانواده تغییر یافت. دیگر خانواده به کسب رفاه مالی به تنهایی بسنده نکرد. توجه به سطح بالاتری از رفاه در جهت احساس رضایت و کیفیت زندگی^۴ در کنار احساس شادی^۵ در خانواده، بعد دیگری از رفاه را برای خانواده دارای اهمیت نمود که نظریه‌پردازان از آن به «رفاه ذهنی» یاد می‌کنند. رفاه ذهنی به احساسات، شناخت‌ها و تجارب فردی مربوط می‌شود و ماهیت ذهنی دارد(۲). با توجه به این که سطح تحصیلات، نوع شغل، وضعیت مالی و بسیاری از عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در شکل‌گیری رفاه ذهنی خانواده‌ها تاثیرگذارند؛ لذا هر خانواده‌ای دارای رفاه ذهنی متفاوتی

^۱. Family

^۲. Subjective Well-being

^۳. Objective Well-being

^۴. Quality of Life

^۵. Life Quality of

می‌باشد. از آن جایی که رفاه ذهنی در پی رفاه عینی محقق می‌گردد، لذا احساس موفقیت و شادکامی در کنار رضایت از زندگی و کیفیت زندگی می‌توانند رفاه ذهنی خانواده‌ها را تشکیل دهند.

توجه به رفاه ذهنی یک مسئله و یک جریان اجتماعی است که با توجه به خلاء موجود در تحقیقات اجتماعی، جای مطالعه دارد. رفاه ذهنی مقوله‌ای است که از نظر افراد مختلف با توجه به ویژگی‌های شخصیتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... دارای تعریف متفاوتی می‌باشد و این مقوله بیشتر در روان‌شناسی مورد کاربرد قرار گرفته است. رفاه ذهنی در جامعه‌شناسی نظریه و تعریف واحدی ندارد. در نتیجه محققان برای سنجش آن همیشه دچار مشکل بوده‌اند. بنابراین جهت دستیابی به یک تعریف واحد و معتبر از رفاه ذهنی در جامعه‌شناسی، از تعریف روان‌شناسی رفاه ذهنی و سازمان بهداشت جهانی بهره گرفته‌اند که رفاه ذهنی؛ احساس نشاط و شادی به همراه کیفیت زندگی ذهنی افراد در خانواده، محیط شغلی و جامعه تعریف شده است. در نتیجه و با توجه به نبود الگویی جامع که توسط جامعه‌شناسان برای سنجش رفاه ذهنی خانواده‌ها ارائه شده باشد؛ خلاء پژوهش توسط محققین شناسایی شد و جهت پر کردن خلاء موجود در پژوهش حاضر به شناسایی شاخص‌های رفاه ذهنی در خانواده‌های تهرانی از دیدگاه جامعه‌شناختی و ارائه الگو پرداخته‌اند. بنابراین پژوهش حاضر با هدف تحلیل جامعه‌شناختی رفاه ذهنی، درصدد پاسخگویی به این سوال است که شاخص‌های رفاه ذهنی خانواده‌های تهرانی کدامند و چه الگویی برای آن می‌توان ارائه داد؟

مبانی نظری

با سیری در آراء اندیشمندان جامعه‌شناس در می‌یابیم شاخص‌های رفاه ذهنی در علم جامعه‌شناسی مورد بحث قرار گرفته است؛ اما به صراحت از رفاه ذهنی سخن به میان نیامده و به عنوان یک واژه جدید و پس از بحث‌ها و تئوری‌های روان‌شناسان؛ برخی از جامعه‌شناسان تحت عنوان کیفیت زندگی در بعد ذهنی و همچنین احساس نشاط و شادی به مقوله‌ی رفاه ذهنی توجه ویژه‌ای نمودند.

رفاه اجتماعی معمولاً به دو بخش عینی و ذهنی تقسیم می‌شود که بخش عینی آن با شاخص‌های مشاهده‌ای مانند موقعیت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تبیین می‌شود و در سنجش رفاه ذهنی که می‌توان آن را مترادف با سلامت، آرامش، بهروزی یا سعادت نیز دانست، توصیف افراد از میزان خوشبختی، رضایت از کیفیت زندگی یا فروانی خلق مثبت و شادکامی به کار می‌آید (۳). ذهنی از نظر اصطلاحی همانند چتری است برای ارزیابی‌های مختلف که افراد در زندگی‌شان ملاحظه می‌کنند، حوادثی که با آن‌ها شاد می‌شوند، جسم‌ها و ذهن‌های‌شان و شرایطی که در آن زندگی می‌کنند. اگرچه رفاه تا اندازه‌ای که آن‌ها درون تجربه فرد رخ می‌دهند ذهنی است، مظاهر آن به صورت عینی در رفتار غیر شفاهی، کنش‌ها، بیولوژی، تمایلات و حافظه مشاهده می‌شود (۴). یک ویژگی مهم رفاه ذهنی، ذهنی بودن آن است به این معنا که ارزیابی از رفاه بر مبنای استانداردهای خود شخص و نه دیگران است (۵).

برونی و پورتا^۱ رفاه ذهنی را به عنوان حالتی از رفاه که هم شامل عنصر شناخت و عنصر دلبستگی است، تعریف می‌کنند (۴)، و بر این باورند که رفاه ذهنی از چهار جزء عنصر تشکیل می‌شود: ۱. عواطف خوشایند؛ ۲. عواطف ناخوشایند؛ ۳. قضاوت درباره زندگی یا سنجش وضعیت زندگی؛ ۴. رضایت در مورد مسائل زمینه‌ای نظیر ازدواج، سلامتی، اوقات فراغت، ... در این رویکرد منظور از رفاه ذهنی، خوشحال بودن است، رویکرد ارسطویی به شادی در حالی که مفاهیمی مثل رضایت و نشاط بیشتر به معنای احساس شادی است، رویکرد لذت‌گرایانه و در قالب شادی خود را نشان می‌دهد (۶).

رفاه ذهنی مفهومی چندبعدی است که برای شناخت و بررسی آن لزوماً ابعادش باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. دینر و سو^۲ بیان می‌کنند «رفاه ذهنی همراه با شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی، یکی از روش‌های اصلی ارزیابی کیفیت زندگی جوامع است» (۲). در دیدگاه دینر دو جنبه از رفاه ذهنی حائز اهمیت است. یکی جنبه شناختی که به صورت رضایت فرد از زندگی تصور می‌شود و دیگری جنبه عاطفی که معمولاً به صورت احساس شادی یا ناراحتی افراد یا تعادل میان احساس خوشایند و ناخوشایند در نظر گرفته می‌شود (۲). در این قسمت بر طبق جامع‌ترین مفهوم که متعلق به دینر است، ابعاد رفاه ذهنی بررسی می‌شود:

الف) احساسات خوشایند: هیجانات خوشایند و مثبت بخشی از رفاه ذهنی می‌باشند. این هیجانات عکس‌العمل فرد نسبت به برخورداری زندگش از روندی مطلوب را نمایان می‌سازند. دسته‌بندی‌های اصلی احساسات مطلوب یا مثبت عبارتند از: برانگیختگی سطح پائین مثل رضایت، برانگیختگی سطح متوسط مثل خوشی و یا لذت، برانگیختگی سطح بالا مثل سرخوشی است. این احساسات مطلوب شامل واکنش‌های مثبت نسبت به فعالیت‌ها مثل علاقه و تعهد و خلق و خویهای عمومی مثبت مثل شادی می‌باشند. ب) احساسات ناخوشایند: خلق و خواها و هیجاناتی را شامل می‌شوند که نامطلوب هستند و نمایانگر پاسخ‌های منفی‌ای می‌باشند که افراد در عکس‌العمل نسبت به زندگی، سلامتی، وقایع و شرایط مختلف تجربه می‌نمایند. شکل اصلی واکنش‌های منفی و نامطلوب شامل خشم، ناراحتی، اضطراب، نگرانی، استرس، ناامیدی، احساس گناه، شرم و حسد می‌باشد (۷).

در رفاه ذهنی مطلوب؛ افراد نسبت به خود آرامش دارند؛ یعنی به طور نسبتاً معقولی احساس امنیت و کفایت دارند. توانایی‌های خود را در حد واقعی، ارزیابی می‌کنند، نه بیشتر و نه کمتر. به خود احترام می‌گذارند و کمبودهای خود را می‌پذیرند. به حقوق دیگران احترام می‌گذارند. می‌توانند به دیگران علاقمند شوند و آن‌ها را دوست بدارند. می‌توانند احترام و دوستی دیگران را جلب کنند. می‌توانند نیازهای زندگی خود را برآورده سازند و برای دشواری‌هایی که در زندگی آن‌ها پیش می‌آید، راه‌حلی پیدا کنند. آن‌ها قادرند خود

¹. Broni & Porta

². Diner & Suh

بیندیشند و تصمیم بگیرند. قادرند مسئولیت‌های روزمره خود را با برگزیدن اهداف معقول پیش ببرند. تحت تأثیر عواطف، ترس، خشم، عشق یا گناه خود به طوری قرار نمی‌گیرند که زندگی‌شان پریشان شود (۸). بررسی شادی در وضعیت رفاهی، رویکردی مهم جایگزین برای اندازه‌گیری و ارزیابی رفاه ذهنی است. این روش، رفاه را در قالب شاخص‌های شادی و رضایت از زندگی ارزیابی می‌کند. هر ساله از صدها هزار نفر در نقاط مختلف جهان خواسته می‌شود تا با پاسخ به سؤالاتی نظیر "با در نظر گرفتن همه چیز، در حال حاضر تا چه حد از زندگی خود راضی هستید؟" یا "با در نظر گرفتن همه چیز، شما این روزها؛ بسیار خوشحال هستید، تا حدی خوشحال هستید یا اساساً خوشحال نیستند؟" رفاه خود را ارزیابی کنند. معمولاً به پاسخ‌های به دست آمده از سوال اول شاخص رضایت از زندگی و به پاسخ‌های سوال دوم شاخص شادکامی اطلاق می‌شود؛ به این دو شاخص و دیگر شاخص‌های مشابه، شاخص‌های رفاه ذهنی می‌گویند (۹).

طبیعی است مطلوب انسان‌ها با یکدیگر متفاوت خواهد بود. نشاط واقعی به این بستگی دارد که انسان نیازهای درونی و پنهانی خود را از طریق چه جامعه و هنجارهای معمول آن را قبول دارد، برآورده سازد (۱۰). زیمل^۱ از اولین جامعه‌شناسانی است که به مسئله شادی توجه داشته است. از نظر وی، شادی یک حالت کلی ذهن است که به توصیف شخصیت عاطفی انسان می‌پردازد. زیمل شادی، را انعکاس حرکت مستمر زندگی توصیف می‌کند که در ورطه زندگی می‌افتد (۱۱). پاتنام^۲ معتقد است شادی به صورت کلی درجه‌ای از قضاوت‌های شخص نسبت به کیفیت عمومی زندگی خود به عنوان یک کل مطلوب است؛ به عبارت دیگر، فرد تا چه اندازه تداوم زندگی خود را دوست دارد (۱۲).

اگوست کنت^۳ معتقد بود که شادمانی نیازمند دانشی نظام‌مند از جهانی است که ما در آن زندگی می‌کنیم به ویژه در مورد اموری که می‌توانیم کم و بیش آن را تغییر دهیم. به طور کلی خوش‌بینی پوزیتیویسم با شادمانی پیوند خورده است: پس از چیره شدن بر بحران‌های اخیر، دوره اثبات‌گرایی بعدی، دوره شادمانی خواهد بود (۱۳).

امیل دورکیم^۴ بی‌هنجاری را ناشی از نبود معیارهای روشن برای راهنمایی رفتار در حوزه زندگی اجتماعی می‌داند. وی فقدان هنجارهای مجاز شادی را باعث بروز بی‌هنجاری در رفتار شادی می‌داند (۱۴). از نظر وی انسان هر چه بیشتر داشته باشد، باز هم بیشتر می‌خواهد. زیرا رضایت‌های به دست آمده به جای بی‌نیازی باز هم او را به قصد رضایت‌مندی بیشتر سوق می‌دهد (۱۵). در واقع انسان‌ها موجوداتی با آرزوهای نامحدودند. آنان بر خلاف جانوران دیگر با برآورده شدن نیازهای زیستی شان سیری نمی‌پذیرند. انسان هر چه که بیشتر داشته باشد، بیشتر هم می‌خواهد و برآورده شدن هر نیازی به جای کاستن از آرزوهای انسان نیازهای تازه‌ای را بر هم می‌انگیزاند (۱۶). توجه دورکیم بر اختلالات جوامع مدرن (آنومی) و این اندیشه

^۱. Simmel

^۲. Putnam

^۳. Auguste Comte

^۴. Émile Durkheim

بود که آنومی شادمانی را کاهش خواهد داد. او می‌پنداشت که آنومی در جوامع مدرن به موجب افزایش تحرک اجتماعی و همچنین تغییرات اجتماعی الزام‌آور، افزایش یافته و این به نوبه خود دارای پیامدهای منفی از جمله ناشادی و خودکشی است (۱۷).

لایارد^۱ معتقد است که بدون شک ثروت، در احساس شادی و نشاط نقش مهمی دارد. ولی این که پیشرفت اقتصادی و افزایش قدرت خرید مردم، به بالا رفتن میزان نشاط و احساس خوشبختی منجر شود، ادعای پذیرفتنی نیست. دلیلش هم این است که در جوامع صنعتی که ثروت و درآمد بیشتری دارند و جامعه هم صنعتی‌تر شده است، افراد جامعه بیشتر افسرده و غمگین هستند و از زندگی خود احساس لذت نمی‌کنند. او معتقد است که در ۵۰ سال گذشته غربی‌ها شادتر نشده‌اند و بدون تردید اقتصاد عامل مهمی در احساس نشاط انسان‌ها دارد. ولی سیاست عمومی نباید به اقتصاد بسنده کند. بلکه باید به نقش روان‌شناسی مدرن، علم جامعه‌شناسی و فلسفه هم در ارتقای سطح نشاط و شادی توجه کند. اگر دانشمندان صرفاً به بهبود مادی تکیه کنند و نقش افزایش میزان جرایم، طلاق، آلودگی محیط زیست و بیماری‌های روانی را نادیده بگیرند، نقشی در افزایش شادابی و نشاط عمومی ایفا نکرده‌اند (۱۸).

اینگلههارت^۲ با تأکید بر دیدگاه الگوی تطابق آرزو با وضعیت عینی مدعی است، احساس سعادت بازتاب توازن میان آرزوهای شخص و وضعیت اوست (۱۹). زمانی که وضعیت فرد با آرزو و توقعاتش تطابق می‌یابد، فرد احساس رضایت فراوانی می‌کند. اگر چه ارضاء یک نیاز خاص، موجب خرسندی فراوان می‌شود، اما شخص پس از مدتی آرزوهای بیشتری یا متفاوتی می‌کند. این نوع فرایند تطابق برای عمل و حیات انسان ضروری است و گر نه ارضای مجموعه‌ای از خواسته‌ها به خرسندی و لیکن بی‌حرکتی از سر بی‌نیازی منتهی می‌شود (۱۹). زیرا توازن بین نیازها با آرزوها از یک سو و انجام آن‌ها از سوی دیگر، پیوسته بر هم می‌خورد و مجدداً تطابق می‌یابد.

به اعتقاد وینه‌وون^۳ شادکامی ارزیابی کلی و ذهنی فرد از زندگی خود است که نشان می‌دهد زندگی مطلوب را چه می‌بیند، این زندگی چگونه انتظاراتش را برطرف می‌کند و غیره (۲۰) و (۲۱). در واقع «ارزیابی فرد از مطلوبیت کیفیت کل زندگی» همان شادکامی است (۲۰).

مفهوم کیفیت زندگی نزد جامعه‌شناسان، نیازهای اساسی زندگی رو به رشد و رضایت‌بخش، فقر و محرومیت اجتماعی، انسجام اجتماعی، نودوستی و از خودگذشتگی در میان جماعت را در برمی‌گیرد (۲۲). کیفیت زندگی به عنوان معیاری برای سنجش میزان برآورده شدن نیازهای روحی، روانی و مادی جامعه و خانواده تعریف شده است (۲۳).

^۱. Layard

^۲. Inglehart

^۳. Veenhoven

براون و همکاران^۱ کیفیت زندگی را با توجه به دو سطح خرد (فردی و ذهنی) و کلان (اجتماعی و عینی) تعریف می‌کنند و برای هر یک از این سطوح شاخص‌هایی را بر می‌شمرند (۲۴). شاخص‌های کلان متأثر از کیفیت زندگی مترادف با شرایط عینی اجتماعی در نظریه زاف^۲ و شامل شغل، مسکن، آموزش و پرورش و سایر شرایط از این قبیل هستند. شاخص‌های خرد که با شرایط ذهنی فردی در نظریه زاف مترادف است، شامل درک کلی از کیفیت زندگی، تجارب ذهنی و ارزش‌های فردی که با میزان رفاه و رضایت از زندگی سنجیده می‌شوند، می‌باشد (۲۵).

فیلیپس کیفیت زندگی را در ابعاد فردی و جمعی مورد بررسی قرار می‌دهد که در سطح فردی مولفه‌های عینی و ذهنی را شامل می‌شود. لازمه کیفیت زندگی فردی در بعد عینی، تأمین نیازهای اساسی و برخورداری از منابع مادی جهت برآوردن خواست‌های اجتماعی شهروندان است و در بعد ذهنی به داشتن استقلال عمل در افزایش رفاه ذهنی شامل لذت‌جویی، رضایت‌مندی، هدف‌داری در زندگی و رشد شخصی، رشد و شکوفایی در مسیر سعادت و دگرخواهی، مشارکت در سطح گسترده‌ای از فعالیت‌های اجتماعی مربوط می‌شود. همچنین کیفیت زندگی در بعد جمعی آن بر ثبات و پایداری محیط فیزیکی و اجتماعی، منابع اجتماعی درون گروه‌ها و جوامعی که در آن زندگی می‌کنند شامل انسجام مدنی، همکوشی و یکپارچگی، روابط شبکه‌ای گسترده و پیوندهای موقتی در تمامی سطوح جامعه، هنجارها و ارزش‌هایی اعم از اعتماد، نودوستی و رفتار دگرخواهانه، انصاف، عدالت اجتماعی و برابری طلبی تأکید دارد (۲۲).

در آرای زیمل به صورت مشخص به کیفیت زندگی توجه نشده است. اما مفاهیمی را در آثار خود به کار برده است که با استفاده از آن‌ها می‌توان مفهوم کیفیت زندگی را تبیین کرد. زیمل در مقاله کلان‌شهر خود به بحث از شرایطی می‌پردازد که در آن روابط انسانی رو به افول می‌گذارند. او در تحلیل خود به از میان رفتن روابط عاطفی و صمیمانه و تسلط روابط حساب‌گرانه توجه دارد. به نظر زیمل کلانشهر جایگاه عقل است. انسان کلانشهری بیش از آن که به عاطفه و قلب خود مراجعه کند؛ به عقل خود مراجعه می‌کند. این ویژگی با اقتصاد پولی کاملاً عجین شده است. زیمل به ما می‌گوید که کلانشهر فرهنگ ذهن است نه قلب. از دیدگاه زیمل می‌توان در مورد کیفیت زندگی دو گونه قضاوت کرد، اولاً از آن جایی که زندگی شهری جایگاه عقلانیت است و به قول او کلانشهر جایگاه عقل است و احساس و روابط عاطفی جایگاهی در آن ندارد. لذا رفتار معقولانه و حساب‌گرانه می‌تواند به کیفیت زندگی فرد بهاء داده و از این منظر فرد کیفیت زندگی بالاتری را تجربه کند. ثانیاً از رویکرد دیگر و از آن جایی که یکی از ابعاد مهم کیفیت زندگی توجه به احساسات و روابط عاطفی افراد در جامعه است. بنابراین این ویژگی در کلانشهرها طبق نظر زیمل گم شده است، پس در نتیجه این جنبه دارای آثار منفی بر روی کیفیت زندگی است (۲۶).

همان گونه که در مرور نظریه‌های جامعه‌شناختی مشاهده شد، رفاه ذهنی به صورت مستقیم مورد توجه جامعه‌شناسان قرار نگرفته و غیرمستقیم با توجه به سازه‌های احساس شادی و احساس کیفیت زندگی ذهنی؛

^۱. Brown et al

^۲. Zaf

مطرح قرار گرفته است. بنابراین و با توجه به ماهیت کیفی تحقیق در این پژوهش، محققین با یک رویکرد نظری خاص و مشخص به بررسی پدیده موردنظر پرداخته‌اند، بلکه با تکیه بر مضامین عمیق و کیفی به دنبال کشف و درک شاخص‌های رفاه ذهنی خانواده‌های تهرانی از دیدگاه جامعه‌شناختی و ارائه یک الگوی جامع بوده‌اند و ادبیات نظری موضوع به عنوان چارچوب‌های ارجاعی مورد استناد قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

در خصوص شناسایی شاخص‌های جامعه‌شناختی رفاه ذهنی و ارائه الگو در بین خانواده‌های ایرانی به صورت اعم و خانواده‌های تهرانی به صورت اخص تاکنون پژوهش‌های جامعی انجام نشده و بیشتر پژوهش‌های انجامی در خصوص عوامل موثر بر رفاه ذهنی افراد در اقصاء مختلف صورت گرفته که در ادامه به عمده‌ترین تحقیقات مشابه با پژوهش حاضر اشاره می‌گردد. نتایج پژوهش‌های آده‌جی و همکاران^۱ (۲۷)، در مطالعه شاخص‌های چندبعدی رفاه نشان می‌دهد که این متغیر، در زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی شکل دهنده تجارب فردی / گروهی قابل درک است. هم‌چنین در کنار عوامل مؤثر جهانی، برخی عوامل خاص منطقه‌ای بر تجربه رفاه و سلامتی افراد تأثیر می‌گذارند. نتایج پژوهش‌های خسروی و دالوند^۲ (۲۸)، نیز نشان می‌دهد که احساس رفاه، نسبی است و برداشت افراد از شرایط عینی زندگی و واقعیت‌های موجود، تعیین‌کننده احساس افراد درباره زندگی و کیفیت آن است که می‌تواند احساس خوشبختی یا بدبختی نسبت به آن را نیز شکل دهد. نتایج مطالعه راجی و همکاران^۳ (۲۹)، نشان داد، رفاه ذهنی در محورهای مختلف زندگی اثر گذار بوده و از زوایای گوناگون مرتبط با حیات بشر قابل ارزیابی است. ریس^۴ (۳۰)، دو عامل مهم محرومیت مالی و زمان‌گذرانده شده با خانواده را در توضیح تغییرات ساختاری خانواده و رفاه ذهنی فرزندان شناسایی نموده‌اند. از بین این دو عامل، میزان زمان سپری شده با خانواده پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری در تبیین عدم رضایت از زندگی فرزندان و در نتیجه رفاه ذهنی اندک ایشان بوده است. در واقع مطالعه صورت گرفته نشان می‌دهد عملکرد خانواده برای رفاه ذهنی فرزندان مهم‌تر از ساختار خانواده می‌باشد. نتایج تحقیق شیروانی ناغانی و همکاران^۴ (۳۱)، حاکی از آن است که تعلقات باعث می‌شوند افراد ترجیحات منطقی اتخاذ کنند، سرمایه‌گذاری اجتماعی کنند، حساس باشند و از این طریق به تعدیل انگیزه‌های منفی خود بپردازند و در نتیجه احساس رضایت و خوشبختی داشته باشند. نتایج پژوهش‌های و همکاران^۳ (۳۲)، حاکی از آن بوده است که نه شاخص فرهنگی رهبری جهانی و اثربخشی رفتار سازمانی با شادی افراد رابطه معنی‌دار نشان داده‌اند که در این بین، فاصله قدرتی و برابری جنسیتی مهم‌ترین و پایدارترین نقش را در رفاه ذهنی ایفاء نموده‌اند. نتایج پژوهش کومار پاتل^۴ (۳۳)، در ارزیابی مسئولیت، کیفیت زندگی و اختلال عملکرد جنسی

^۱. Adedeji et al

^۲. Rees

^۳. Ye et al

^۴. Kumar Patel

در بین زنان دارای همسر معتاد حاکی از آن بود که کیفیت زندگی و مسئولیت عاطفی، روانی و اجتماعی زنان دارای همسران معتاد در سطح پائینی قرار دارد. در همین رابطه کارهانا، تریپاتی، مهدی و جین^۱ (۳۴)، دریافتند، میزان دلبستگی همسران به الکل، منجر به کاهش میزان کیفیت زندگی و رضایت‌مندی زنان ایشان گردیده است. هم‌چنین برزگری سلطان احمدی، حسینیان و عبداللهی^۲ (۳۵)، در پژوهش خویش دریافت، بین خود شفقت‌ورزی با کیفیت زندگی زناشویی و کمال‌گرایی عاشقانه خودمحور رابطه مثبت وجود دارد. هم‌چنین با توجه به نقش تعدیل‌گر خود شفقت‌ورزی، می‌توان از این درمان در دوره‌های مشاوره و درمانی جهت جلوگیری از افت کیفیت زندگی زوجین استفاده نمود.

نتایج پژوهش برادران و جوادی^۳ (۳۶)، در تحلیل جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی در بین دانشجویان دانشگاه لرستان حکایت از آن دارد که اثر شبکه اجتماعی و اعتماد اجتماعی بر رفاه ذهنی معنادار می‌باشد. در همین زمینه نتایج تحقیق حسن‌زاده موروئی، نوابخش و ادهمی^۴ (۳۷)، حاکی از آن است که با افزایش سرمایه اجتماعی، میزان شادمانی افراد نیز افزایش می‌یابد. هم‌چنین کچویی، مقدم، پناغی و فراهانی^۵ (۲۳)، باورهای فرهنگی ناخودآگاه درباره رابطه زوجی در افراد متأهل را مورد ارزیابی قرار داده دریافتند، باورهای سنتی هم‌چنان در ناخودآگاه افراد کارکرد و اثر تعیین‌کننده دارند و شناخت نقش آن‌ها و آگاه شدن نسبت به این باورهای ناخودآگاه فرهنگی جهت به دست آوردن تجربه رضایت ارتباط زوجی بسیار مهم است.

با توجه به نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی مطروح، تاکنون در خصوص ارائه الگوی جامع رفاه ذهنی خانواده‌ها از دیدگاه جامعه‌شناختی مطالعه‌ای صورت نگرفته است. بنابراین در مقاله حاضر جهت پر کردن خلاء موجود؛ به تحلیل جامعه‌شناختی شاخص‌های رفاه ذهنی خانواده‌های تهرانی و ارائه الگوی جامع پرداخته شده است که از این حیث دارای نوآوری می‌باشد.

ابزار و روش

روش‌شناسی در مقاله حاضر با روش کیفی و استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته انجام گرفته است. نمونه‌های انتخاب شده شامل مصاحبه با اساتید و مدرسان دانشگاه‌های مختلف شهر تهران در حوزه جامعه‌شناسی خانواده و رفاه اجتماعی بود که مصاحبه به صورت رو در رو با ایشان در دفتر کار و یا محل کار آن‌ها انجام شد. جهت تعیین نمونه مورد مطالعه، برخی خبرگان شناسایی شدند و پس از طی مصاحبه نیمه‌ساختار یافته با ایشان و به روش نمونه‌گیری هدف‌مند و گلوله برفی؛ نمونه‌های مناسب دیگر شناسایی و مورد مصاحبه قرار گرفتند و تا حصول اشباع نظری با ۱۵ نفر از خبرگان ادامه یافت.

برای تحلیل داده‌ها از روش «تحلیل مضمون»^۲ استفاده شده است. مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس تقسیم‌بندی بلوکات و همکاران^۳ (۳۹)، به شرح زیر است:

^۱. Karhana, Tripathi, Mehdi & Jain

^۲. Thematic Analysis

مرحله اول آشنایی با داده‌ها: محقق پس از گردآوری داده‌ها و مصاحبه‌ها، به طور مکرر به آن‌ها مراجعه و داده‌ها را مطالعه کرده و نسبت به داده‌ها تسلط کافی پیدا کرده و به اصطلاح در داده‌ها غوطه‌ور شد. مرحله دوم ایجاد کدهای اولیه: مرحله دوم زمانی شروع شد که محقق داده‌ها را خوانده و با آشنایی پیدا کرده است. این مرحله شامل ایجاد کدهای اولیه از داده‌ها بوده است. کدها یک ویژگی داده‌ها را معرفی می‌نمایند که مضمون خاصی را نمایندگی می‌کند. در این پژوهش پس از مطالعه داده‌ها ۲۳۶، کد اولیه استخراج گردید.

مرحله سوم ایجاد کدهای طبقه‌بندی شده: در این مرحله پس از دسته‌بندی کدهای اولیه پژوهش، ۷۰ کد طبقه‌بندی شده هم‌موضوع استخراج شد.

مرحله چهارم جستجوی مضامین: در این مرحله با دسته‌بندی کدهای هم‌موضوع در یک طبقه، ۱۴ دسته مفهومی در قالب ۴ محور استخراج شد که مضامین بالقوه محسوب می‌شدند.

مرحله پنجم بازبینی و نام‌گذاری مضامین: در این مرحله، از مجموع ۲۳۶ کد اولیه و ۷۰ کد طبقه‌بندی شده هم‌موضوع شکل گرفته، ۱۴ مضمون فرعی و ۴ مضمون اصلی شناسایی شد. در ادامه ۴ مضمون اصلی شناسایی شده با کمک ادبیات برچسب‌گذاری شد.

مرحله ششم تهیه گزارش: مرحله ششم زمانی شروع شد که محقق مجموعه‌ای از مضمون‌های اصلی در اختیار داشت. این مرحله شامل تحلیل پایانی و نگارش گزارش است.

با انجام مراحل مذکور و مطالعه مضمون‌های اصلی و فرعی و کدهای آن‌ها، محقق به چهار مضمون اصلی به عنوان شاخص‌های جامعه‌شناختی رفاه ذهنی خانواده‌های دست یافته است.

برای اعتبار نیز سعی شد تا شیوه مصاحبه‌ها شامل شروع مصاحبه، ورود به بحث و سیر پرسش‌ها، به گونه‌ای هدایت شود تا از پراکنده‌گویی جلوگیری شود. مصاحبه‌ها در دفتر کار افراد ترتیب داده شد. بیشتر زمان مصاحبه‌ها به شناسایی مفهوم، ابعاد و شاخص‌های رفاه ذهنی خانواده‌های تهرانی اختصاص یافت؛ برای سنجش پایایی پژوهش نیز از پایایی بازآزمون استفاده شد. کدگذاری‌های مجدد توسط دو نفر از همکاران نیز صورت گرفت که اشتراک ۹۲ درصدی حاصل شد.

یافته‌ها

در جداول (۱) تا (۴) اطلاعات مربوط به مضامین اصلی حاصل از مجموع مضامین فرعی و کدهای طبقه‌بندی شده مستخرج از جملات مصاحبه‌ها ارائه شده است.

جدول شماره (۱): مضمون اصلی و فرعی حاصل از طبقه‌بندی موضوعی منتج از

کدهای اولیه متغیر احساس نشاط و شادی فردی خانواده‌های تهرانی

تعداد خبرگان	جمله‌های طبقه‌بندی شده	مضامین فرعی	مضمون اصلی
۱۵	۱. زندگی در مناطق بالای شهر ۲. دارا بودن خانه با متراژ بالا، دارا بودن ویلا و ...		
۱۴	۳. داشتن ماشین مدل بالا ۴. دارا بودن شغل مناسب با پرستیژ ۵. دارا بودن درآمد بالا	دلبستگی‌های فردی در	
۱۳	۶. داشتن مدرک تحصیلی آکادمیک	زندگی	
۱۵	۷. دارا بودن تعلقات خانوادگی (همسر و فرزند و ...)		
۱۲	۸. عضویت در شبکه‌های اجتماعی و فعالیت‌های مختلف در آن‌ها		
۱۴	۱. توانایی انجام وظایف محوله در خانواده به عنوان همسر، پدر یا مادر	احساس کارآمدی فردی	احساس نشاط
۱۳	۲. توانا برقراری و رعایت نظم و مقرارت در خانواده ۳. توان تقسیم کار در خانه		و شادی فردی
۱۳	۴. توانایی برقراری ارتباط عاطفی با همسر ۵. توانایی برقراری ارتباط صمیمانه با فرزندان		
۱۵	۱. توانایی زن یا شوهر در برقراری آسایش در زندگی خانوادگی		
۱۴	۲. توانایی کنترل آرامش فکری در خانواده در زمان پاندمی کرونا	احساس سعادت‌مندی و رفاه	
۱۴	۳. مدیریت شوهر در تطابق درآمد خانواده با نیازهای زندگی خانواده		
۱۳	۴. توانایی برقراری آسایش جسمی، روانی و مالی برای اعضاء خانواده		
۱۳	۵. کمک به حفظ نشاط در بین اعضاء خانواده به ویژه در دوران پاندمی کرونا		

یافته‌های حاصل از جدول (۱) نشان می‌دهد شاخص‌های رفاه ذهنی خانواده‌های تهرانی از دیدگاه جامعه‌شناختی در مضمون اصلی «احساس نشاط و شادی فردی» شامل ۳ مضمون فرعی و ۱۸ کد طبقه‌بندی شده حاصل از جملات مستخرج از مصاحبه با خبرگان می‌باشد که ۸ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «دلبستگی‌های فردی در زندگی»، ۵ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «احساس کارآمدی فردی» و ۵ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «احساس سعادت‌مندی و رفاه» شناسایی و تحلیل شد.

جدول شماره (۲): مضمون اصلی و فرعی حاصل از طبقه‌بندی موضوعی منتج از کدهای اولیه متغیر احساس نشاط و شادی جمعی خانواده‌های تهرانی

تعداد خبرگان	جمله‌های طبقه‌بندی شده	مضامین فرعی	مضمون اصلی
۱۵	۱. برقراری روابط صمیمانه زن یا شوهر با سایر اعضای خانواده	تقویت روابط با خانواده و جامعه	احساس نشاط و شادی جمعی
۱۴	۲. توانایی تعامل فرد با دوستان و فامیل		
۱۵	۳. توانایی تعامل فرد با افراد بیگانه در محیط کار و جامعه		
۱۴	۴. شرکت در نشست‌های دوستانه و برقراری تعامل با دیگران		
۱۳	۱. تدارک سفر با اعضای خانواده به اماکن سیاحتی و زیارتی	مراجع و مکان‌های ابراز شادی	
۱۳	۲. حضور در فرهنگسراها یا موزه و اماکن فرهنگی		
۱۳	۳. شرکت در مسابقات علمی، فرهنگی، هنری و ورزشی در برنامه‌های مختلف		
۱۵	۴. استفاده از خدمات تفریحی- ورزشی در محله (پارک و فضای سبز، باشگاه و....)		
۱۳	۵. شرکت در اردوهای یک روزه با اعضای خانواده		
۱۴	۱. سهولت دست‌یابی به نیازهای اولیه زندگی خانوادگی در آرامش فکری زوجین		
۱۵	۲. دست‌یابی به مراکز درمانی بالاختص در دوره پاندمی کرونا		
۱۴	۳. دست‌یابی به مراکز بهداشتی بالاختص در دوره پاندمی کرونا		
۱۵	۴. ثبات شغلی بالاختص در دوره پاندمی کرونا در آرامش فکری زوجین		
۱۴	۵. دستیابی به مراکز آموزشی مدارس، آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها بالاختص در دوره پاندمی کرونا		

یافته‌های حاصل از جدول (۲) نشان می‌دهد شاخص‌های رفاه ذهنی خانواده‌های تهرانی از دیدگاه جامعه‌شناختی در مضمون اصلی «احساس نشاط و شادی جمعی» شامل ۳ مضمون فرعی و ۱۴ کد طبقه‌بندی شده حاصل از جملات مستخرج از مصاحبه با خبرگان می‌باشد که ۴ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «تقویت روابط با خانواده و جامعه»، ۵ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «مراجع و مکان‌های ابراز شادی» و ۵ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «احساس امنیت و تضمین آسایش زندگی» شناسایی و تحلیل شد.

جدول شماره (۳): مضمون اصلی و فرعی حاصل از طبقه‌بندی موضوعی منتج از کدهای اولیه متغیر کیفیت زندگی فردی خانواده‌های تهرانی

تعداد خبرگان	جمله‌های طبقه‌بندی شده	مضامین فرعی	مضمون اصلی
۱۴	۱. تخصیص برنامه برای ساعات بیکاری در کنار خانواده	لذت‌جویی فردی از زندگی	
۱۵	۲. گذران اوقات فراغت در مکان‌های تفریحی		
۱۵	۳. اقدام به ایجاد جوی مهربان و صمیمی در خانواده		
۱۴	۴. استفاده بهینه از دارایی‌ها و لذت از آن		
۱۳	۱. رضایت از سلامت جسمی و روانی		

رضایت‌مندی فردی	۲. رضایت از منزلت اجتماعی	۱۴
از زندگی	۳. رضایت از منزلت شغلی	۱۴
	۴. رضایت زوجین از زندگی زناشویی	۱۴
	۵. رضایت از روابط عاطفی با اعضای خانواده	۱۳
کیفیت زندگی	۱. دارا بودن برنامه و هدف مشخص در زندگی	۱۴
ذهنی فردی	۲. دارا بودن هدفی راسخ برای فرزندپروری	۱۵
	۳. دارا بودن هدف برای ادامه تحصیل و ارتقای شغلی	۱۳
	۴. برنامه ریزی برای ادامه تحصیل خود یا فرزندان به خارج از کشور	۱۴
هدف‌گذاری	۵. برنامه ریزی برای مهاجرت خانوادگی	۱۲
در زندگی	۶. برنامه‌ریزی برای شرکت در کلاس‌های مختلف ورزشی، هنری، علمی و ...	۱۵
	۷. رعایت هنجارهای مثبت جامعه	۱۴
	۸. رعایت شان و منزلت دیگران (کرامت انسانی)	۱۳
	۹. دارا بودن حس خیرخواهی برای دیگران	۱۵
مشارکت در	۱. شرکت در کمپین‌ها و کمک‌های مردمی و NGOها	۱۴
فضاهای اجتماعی	۲. شناسایی نیازمندان و کمک مالی و معنوی به آنها	۱۵
	۳. کمک ماهیانه به خیریه‌ها و یا افراد نیازمند	۱۴

یافته‌های حاصل از جدول (۳) نشان می‌دهد شاخص‌های رفاه ذهنی خانواده‌های تهرانی از دیدگاه جامعه‌شناختی در مضمون اصلی «کیفیت زندگی ذهنی فردی» شامل ۴ مضمون فرعی و ۲۱ کد طبقه‌بندی شده حاصل از جملات مستخرج از مصاحبه با خبرگان می‌باشد که ۴ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «لذت‌جویی فردی از زندگی»، ۵ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «رضایت-مندی فردی از زندگی»، ۹ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «هدف‌گذاری در زندگی» و ۳ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «مشارکت در فضاهای اجتماعی» شناسایی و تحلیل شد.

جدول شماره (۴): مضمون اصلی و فرعی حاصل از طبقه‌بندی موضوعی منتج از

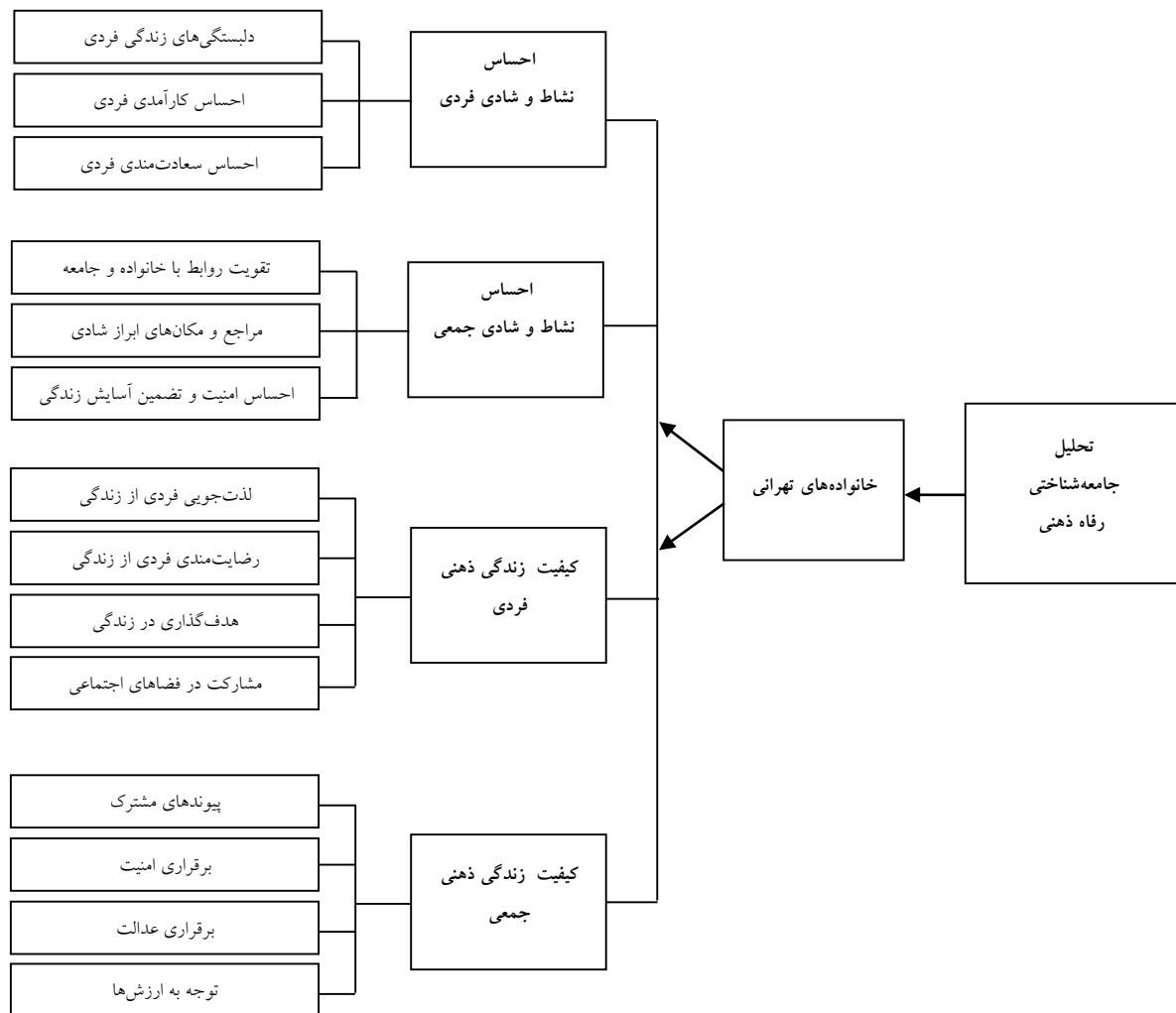
کدهای اولیه متغیر کیفیت زندگی ذهنی جمعی خانواده‌های تهرانی

تعداد خبرگان	جمله‌های طبقه‌بندی شده	مضامین فرعی	مضمون اصلی
۱۴	۱. برقراری روابط گسترده با افراد مختلف در فرهنگ‌های مختلف		
۱۵	۲. حضور در شبکه‌های مجازی و اجتماعی		
۱۴	۳. یکپارچگی و همکاری با سایر اعضای خانواده در جهت انجام وظایف شخصی	پیوندهای مشترک	
۱۵	۴. ایجاد حس اعتماد در محیط خانه بین اعضا		
۱۴	۵. برقراری انصاف و عدالت در محیط خانه بین اعضای خانواده		
۱۵	۱. حفظ حرمت و کرامت انسانی در خانه و جامعه		
۱۴	۲. تأمین سلامت جسمی و روانی در خانه، محل کار و جامعه	برقراری امنیت	
۱۵	۳. حفظ جان و مال و آبرو توسط پلیس در سطح جامعه		

کیفیت زندگی	۴. رعایت حقوق شهروندی	۱۴
ذهنی جمعی	۱. رعایت انصاف و عدالت در تقدیر از زحمات همسر در انجام وظایف خانه و تربیت فرزندان	۱۵
	۲. همکاری دوجانبه با همسر به صورت هماهنگ در آموزش، پرورش و تربیت فرزندان	۱۴
	۳. برقراری عدالت بین زنان و مردان در خانه و جامعه	۱۵
	۴. توانایی در مطالبه فردی و اجتماعی آزادی	۱۵
	۵. آزادی در نحوه پوشش و آرایش و رفتار جمعی در سطح جامعه	۱۵
	۱. آزادی در مطالعه کتب مورد علاقه	۱۲
	۲. آزادی در نحوه گذراندن اوقات فراغت بدون دخالت همسر و فرزندان	۱۳
توجه به ارزش‌ها	۳. آزادی فعالیت در شبکه‌های مجازی با توجه به تغییر در سبک زندگی	۱۵

یافته‌های حاصل از جدول (۴) نشان می‌دهد شاخص‌های رفاه ذهنی خانواده‌های تهرانی از دیدگاه جامعه‌شناختی در مضمون اصلی «کیفیت زندگی ذهنی جمعی» شامل ۴ مضمون فرعی و ۱۷ کد طبقه‌بندی شده حاصل از جملات مستخرج از مصاحبه با خبرگان می‌باشد که ۵ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «پیوندهای مشترک»، ۴ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «برقراری امنیت»، ۵ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «برقراری عدالت» و ۳ کد در یک طبقه و تحت عنوان مضمون فرعی «توجه به ارزش‌ها» شناسایی و تحلیل شد.

پس از تحلیل مضمون مصاحبه با خبرگان و شناسایی مضامین فرعی از طبقه‌بندی جملات مشابه و کدگذاری‌های انجام یافته؛ همان گونه که یافته‌های جداول (۱) تا (۴) نشان داد؛ چهار مضمون اصلی برای تحلیل جامعه‌شناختی رفاه ذهنی خانواده‌های تهرانی شناسایی و الگوی موردنظر ارائه شد:



شکل شماره (۱): ارائه الگوی رفاه ذهنی خانواده‌های تهرانی از دیدگاه جامعه‌شناختی

در نهایت و جهت تایید الگوی ارائه شده، با ۵ تن از اساتید خبره؛ مصاحبه مجدّد انجام داده و توسط ایشان به صورت محتوایی و صوری مضامین اصلی و فرعی در قالب الگو مورد تایید قرار گرفت.

تحلیل یافته‌ها

پس از مطالعه مصاحبه‌ها و طبقه‌بندی و تحلیل مضمون؛ چهار شاخص اصلی نشاط و شادی فردی، نشاط و شادی جمعی، کیفیت زندگی ذهنی فردی و کیفیت زندگی ذهنی جمعی از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان به عنوان شاخص‌های جامعه‌شناختی رفاه ذهنی خانواده‌های تهرانی شناسایی شد و الگوی اولیه تدوین شد. همراستا با این طبقه‌بندی برای رفاه ذهنی؛ نظریه‌پردازان مختلفی دو شاخصه اصلی رفاه ذهنی را احساس شادی و احساس رضایت از زندگی دانسته‌اند. مهم‌ترین نظریه‌پردازان در زمینه رفاه ذهنی «دینر» و «سو» هستند. از نظر آن‌ها دو جنبه از رفاه ذهنی حائز اهمیت است. یکی جنبه شناختی که به صورت رضایت فرد از زندگی تصور می‌شود و دیگری جنبه عاطفی که معمولاً به صورت احساس شادی یا ناراحتی افراد یا تعادل میان احساس خوشایند و ناخوشایند در نظر گرفته می‌شود. در همین زمینه برونی و پورتا بر این باورند که رفاه ذهنی از چهار جزء عنصر عواطف خوشایند؛ عواطف ناخوشایند؛ قضاوت درباره زندگی یا سنجش وضعیت زندگی؛ رضایت در مورد مسائل زمینه‌ای نظیر ازدواج، سلامتی، اوقات فراغت، ... تشکیل می‌شود. در حقیقت این افراد رفاه ذهنی را متشکل از دو بخش ۱. احساس نشاط و شادی و ۲. کیفیت زندگی ذهنی می‌دانند. همان گونه که خبرگان در بخش مصاحبه عنوان نمودند، احساس نشاط و شادی در دو بعد فردی و جمعی برای خانواده‌های تهرانی مدنظر می‌باشد. این احساس در بعد فردی در دلبستگی‌های فردی و احساس کارآمدی فردی و همچنین احساس سعادت‌مندی و رفاه قرار می‌گیرد. اگر زوجین به ویژه مرد خانواده که وظیفه رفع نیازهای روزانه را بر عهده دارد، بتواند با انجام وظایف خود موجبات آرامش عاطفی همسر و فرزندان خود را فراهم آورد و با ایجاد نظم و مقررات در انجام مسئولیت‌های اعضای خانواده مدیریت نماید؛ با توجه به دارایی‌هایی که دارد، احساس نشاط و شادی در خود داشته و آن را به دیگر اعضای خانواده انتقال می‌دهد. زن خانواده نیز با انجام وظایف همسری و مادری در صورت پرورش و تربیت فرزندان و برقراری روابط عاطفی با آن‌ها می‌تواند احساس شادکامی را در خود متبلور نماید و به نوعی رفاه ذهنی خود را افزایش دهد. در ادامه روند وظایف زوجین در خانواده تقویت روابط با دیگران، احساس امنیت و اطمینان از آسایش در زندگی خانوادگی در کنار وجود مراجع و اماکن ابراز شادی برای زوجین می‌تواند احساس شادی جمعی را تقویت کند. همچنین کیفیت زندگی ذهنی از نگاه صاحب‌نظران مورد مصاحبه در دو بعد فردی و جمعی طبقه‌بندی شد. کیفیت زندگی ذهنی در بعد فردی شامل هدف داشتن در زندگی، مشارکت در برنامه‌های اجتماعی در سطح جامعه، لذت‌جویی از زندگی و رضایت‌مندی از زندگی می‌باشد. در واقع داشتن هدف در زمینه‌های تحصیلی، شغلی، خانوادگی و ... در کنار بهره‌گیری از دارایی‌ها و امکانات و برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت خانواده و همچنین کمک به افراد نیازمند در کنار احساس رضایت از زندگی در ابعاد مختلف شغلی، عاطفی، اجتماعی و فرهنگی می‌تواند کیفیت زندگی فردی زوجین را مرتفع سازد. در کنار این موارد، توان برقراری روابط با افراد در جامعه و فضاهای مجازی با فرهنگ‌های مختلف در کنار احساس امنیت داشتن در خانه، محل کار و جامعه و اطمینان از عدالت بین زنان و مردان و توانایی مطالبات

فردی و اجتماعی و آزادی در فعالیت‌های مختلف از طریق توجه به ارزش‌های جامعه در کنار هم می‌توانند کیفیت زندگی ذهنی جمعی خانواده را تضمین کند.

بحث و نتایج

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل جامعه‌شناختی رفاه ذهنی خانواده‌های تهرانی و ارائه الگو صورت گرفته است. مقاله حاضر به صورت کیفی و یافته‌های آن با تحلیل مصاحبه نیمه‌ساختار یافته از خبرگان تا رسیدن به اشباع صورت گرفت. پس از مطالعه و طبقه‌بندی و کدبندی و برچسب زدن به مضامین و نکات مطروح توسط مصاحبه شونده‌گان با استفاده از روش تحلیل مضمون؛ شاخص‌های جامعه‌شناختی رفاه ذهنی تحت عنوان ۱. نشاط و شادی فردی، ۲. نشاط و شادی جمعی، ۳. کیفیت زندگی ذهنی فردی و ۴. کیفیت زندگی ذهنی جمعی منبعث از ۱۴ مضمون فرعی تشکیل دهنده آن‌ها را به عنوان عمده‌ترین شاخص‌های جامعه‌شناختی رفاه ذهنی خانواده شناسایی و تحلیل و الگوی مورد نظر ارائه شدند.

همان گونه که در متن مقاله بیان شد، رفاه ذهنی به صورت مستقیم از دیدگاه جامعه‌شناختی مورد تحلیل و بررسی قرار نگرفته است و شاخص‌های رفاه ذهنی با بهره‌گیری از شاخص‌های مورد استفاده در روان‌شناختی برای رشته جامعه‌شناسی به عاریت گرفته شده است. همان گونه که جامعه‌شناسان بزرگی چون کنت، دورکیم و ... در خصوص احساس نشاط و شادی صحبت به میان آورده‌اند، شادی یکی از خلیات اساسی در زندگی فرد است و نقش مهمی در حیات روانی و اجتماعی وی دارد. به اعتقاد وینهوون «ارزیابی فرد از مطلوبیت کیفیت کل زندگی» همان شادکامی است. اما احساس شادی ثابت نیست چرا که خواسته‌های وی نیز در حال تغییرند. از نظر امیل دورکیم انسان هر چه بیشتر داشته باشد باز هم بیشتر می‌خواهد، زیرا رضایت‌های به دست آمده به جای بی‌نیازی باز هم او را به قصد رضایت‌مندی بیشتر سوق می‌دهد. همسو با این نظر؛ اینگلهارت معتقد است زمانی که وضعیت فرد با آرزو و توقعاتش تطابق می‌یابد، فرد احساس رضایت می‌کند. اگر چه ارضاء یک نیاز خاص، موجب خرسندی فرد می‌شود، اما شخص پس از مدتی آرزوی چیزهای بیشتر یا متفاوتی می‌کند. در حقیقت با توجه به نیاز فرد، احساس نشاط و شادی وی نیز تغییر می‌یابد. نتایج پژوهش‌های لایارد نیز نشان می‌دهد که فقط رفاه عینی و امنیت مالی برای احساس شادی فرد کافی نیست. هم چنان که در ۵۰ سال گذشته غربی‌ها شادتر نشده‌اند و علی‌رغم این که اقتصاد عامل مهمی در احساس نشاط انسان‌ها دارد؛ اما باید به نقش روان‌شناسی مدرن، علم جامعه‌شناسی و فلسفه هم در ارتقای سطح نشاط و شادی توجه شود. در حقیقت احساس نشاط و شادی علاوه بر بهبود وضعیت مالی به کاهش میزان جرایم، طلاق، آلودگی محیط زیست و بیماری‌های روانی نیز وابسته است. کلام آخر این که مطلوب انسان‌ها با یکدیگر متفاوت است. نشاط واقعی به این بستگی دارد که انسان نیازهای درونی و پنهانی خود را از طریق جامعه و هنجارهای معمول آن را قبول دارد، برآورده سازند.

فیلپس لازمه کیفیت زندگی فردی در بعد عینی را تأمین نیازهای اساسی و برخورداری از منابع مادی

جهت برآوردن خواست‌های اجتماعی شهروندان و در بعد ذهنی را لذت‌جویی، رضایت‌مندی، هدفداری در زندگی و رشد شخصی، رشد و شکوفایی در مسیر سعادت و دگرخواهی، مشارکت در سطح گسترده‌ای از فعالیت‌های اجتماعی مربوط می‌داند. همچنین کیفیت زندگی در بعد جمعی را انسجام مدنی، همکوشی و یکپارچگی، روابط شبکه‌ای گسترده و پیوندهای موقتی در تمامی سطوح جامعه، هنجارها و ارزش‌هایی اعم از اعتماد، نودوستی و رفتار دگرخواهانه، انصاف، عدالت اجتماعی و برابری طلبی می‌داند. در نتیجه جهت دستیابی به کیفیت زندگی مناسب، لازم است در ابعاد فردی و جمعی افراد با یکدیگر تعامل داشته باشند. در خانواده نیز به تناسب نیاز اعضاء خانواده، لازم است ویژگی‌های کیفیت زندگی مورد توجه قرار گیرد و والدین و فرزندان با مشارکت یکدیگر در ایجاد رضایت از زندگی و کیفیت زندگی خویش کوشا باشند. با توجه به این که خانواده مهم‌ترین بستر تربیت فرزندان می‌باشد و رفتار صحیح زوجین در خانواده موجب بهبود رفاه ذهنی اعضاء خانواده می‌شود، لازم است توجه ویژه‌ای به عناصر و شاخص‌های رفاه ذهنی اعضای خانواده مبذول گردد که برای تشخیص وضعیت رفاه ذهنی خانواده‌ها بهره‌گیری از شاخص‌های رفاه ذهنی از دیدگاه جامعه‌شناختی در پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. AmirMazaheri, A. M. & QadrBandFard Shirazi, Z. (2014). Investigation the effective factors on Domestic violence against women and the reasons of their anger tolerance. The Journal of Sociological Studies, 4(15): 27-46 Retrieved in: https://journals.iau.ir/article_525152.html (In Persian).
2. Salehi Shahraki, S. & Shiani, M. (2019). The Relationship between Communities and Subjective Well-Being of Children Aged 10 to 12 Years in the Sixth District of Tehran. Refahj, 19 (73), P.p: 137-188. doi:10.29252/refahj.19.73.137(In Persian).
3. Modiri, F. & Taqi, A. A. (2008). Investigation the gender differences on Iranian Subjective well-being. The Social Journal of Literature and Human Sciences Faculty of Ferdosi University, Autumn and Winter of 2008: 225-2542 (In Persian).
4. HezarJaribi, J. & SafariShali, R. (2008). The anatomy of Social Well-being. First Edition, Tehran: Society and Culture Publication (In Persian).
5. AmirKhani, T. & Borhani, T. (2016). Public service motivation: A study of the impact of job design and employees subjective well-being in a public hospital. Iranian journal of management sciences, 11 (41), P.p: 76-90. <https://www.magiran.com/p1583734> (In Persian).
6. Bargahi, H. & Kabiri, N. (2015). The subjective well-being and social trust effect on it (A case study: The Tehranian Adults). The Journal of Youth Sociological Studies, 6, P.p: 9-32. <https://elmnet.ir/doc/10655868-29631> (In Persian).
7. Omrani, F. (2016). Investigation the relation of social, cultural and subjective well-being factors among over 18 citizens of Bushehr city. M. A. thesis in social sciences, sociology tendency, Supervisor: Navah, Economy and social sciences faculty, Shahid Chamran University of Ahwaz (In Persian).
8. Kiya, N. (2016). Investigation the relationship among perceived service quality with the purpose of re shopping and subjective well-being with the mediating role of satisfaction and customer recognition (A case study: keshavarzi Banks of Gorgan City). M. A. Thesis in Business Management, Marketing tendency, Supervisor: M Saqaei, Hakim Georgani Higher Education (In Persian).
9. Graham, D. J; P. Melo; P. Jiwattanakulpaisarn, & R. Noland. (2009). Testing for causality between productivity and agglomeration economies. Journal of Regional Science.
10. Abbaszadeh, M; Ghasemzadeh, D. & Saleh, N. (2016). The Relationship Between forms of Capital and Happiness among the Marginalized and non-marginalized: A Case Study of Tabriz City Mohammad. Social Development & Welfare Planning, 7 (29), P.p: 157-185. doi:10.22054/qjsd.2016.7888 (In Persian).
11. Zingerle, A. (2000). Simmel on Happiness. Journal of Happiness Studies, 1.
12. Putnam, R. D. (1996). The prosperous community: social capital and public life, The American prospect.
13. Mousavi, S. M. (2009). The Happiness, Theoretical Approaches and Impirical Results. Tehran; Sina Publications (In Persian).
14. Francis, L. J. (1999). Happiness is a thing called stableextraversion: a further examination of the relationship between the Oxford Happiness Inventory and Eysenk's dimensionalmmodel of personality and gender. Personality and Individual Differences, 26, P.p: 5-11 [https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/S0191-8869\(98\)00185-8](https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/S0191-8869(98)00185-8).
15. Kozere, A. L. & Rosenberg, B. (2004). The basic Theories of Sociology. Tehran: Nashr Ney (In Persian).

16. Aliverdinia, A; Rezaei, A. & Peyro, F. (2011). A Sociological Analysis of University Students Attitude's toward Suicide. *Journal of Applied Sociology*, 22 (4), P.p: 1-18 <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20085745.1390.22.4.1.3> (In Persian).
17. Galatzer, W. (2000). Happiness: classic theory in the light of current research. *Journal of happiness studies*, 1, 501-511, DOI: 10.1023/A:1011550727571.
18. TabatabaeiNasab, M. (2020). Investigation and analysis of sociological effective factors on meritment and happiness. *The Scientific Journal of Latest approaches in Islamic Studies*, 2 (3), P.p: 250-279. <https://ensani.ir/fa/article/436006> (In Persian).
19. Inglehart, R. (1994). *The Cultural Revolution in Industrial progress of society*. Translated: M. Vatar, Tehran: Kavir Publications (In Persian).
20. Veenhoven, R. (1998). The Utility of Happiness. *Social Indicator research*, 20.
21. Veenhoven, R. (1995). Two-State Trait Discussion on Happiness. *Social Indicator research*, 43, P.p: 211-225 DOI: 10.1023/A:1006867109976.
22. Phillips, D. (2006). *Quality of life; concept, policy and practice*, London, Routledge.
23. Kouchaki Nejad, F; RamezanZadeh, M; MasoumPour, J. & Fatahi, A. (2011). The Investigation and evaluation of quality of life in rural districts of Central part of Kermenshah city. *The Geographical Perspective (Human Studies)*, 6 (14 & 19) <https://www.magiran.com/p1544968> (In Persian).
24. Farokhi, J. (2006). *The quality of life and its effective factors influence on it (The households of Tehran)*. M. A. thesis, Tehran University, Allameh Tabatabaei (In Persian).
25. Khatibi, A. & RajabiFar, M. (2020). The Relationship between Cultural Capital and Family Quality of Life with Social Health of Students in Marivan City. *Sociology of Education*, 5 (2), P.p: 118-132. doi: 10.22034/ijes.2020.43770 (In Persian).
26. Mokhtari, M. & Nazari, J. (2010). *The quality of life sociology*. Tehran: Sociologists Publications (In Persian).
27. Adeji, A; Olonisakin, T.T; Buchcik, J; Metzner, F; Tsabedze, W. et al. (2023). The multicultural conceptualisation of well-being. *BMC Public Health*, 23: 2041, P.p: 1-16. <https://doi.org/10.1186/s12889-023-16966-0>.
28. Khosravi, R. & Dalvand, F. (2023). Subjective Well-being of Afghan Immigrants Residing in Shiraz and its Correlates. *Journal of Population Association of Iran*, 18 (35), P.p: 429-466. doi: 10.22034/jpai.2023.1990541.1275 (In Persian).
29. Raji, Z; Sarkeshikiyan, S. M. & Babakhani, N. (2022). Analysis of the network of psycho-social themes of subjective welfare: a qualitative study based on tested evidence. *Social Development & Welfare Planning*, 12(49), 33-68. DOI: 10.22054/qjsd.2021.62442.2213 (In Persian).
30. Rees, G. (2017). Family structure and children's subjective well-being: A comparative analysis in eight European countries. *Cairn. Info- NecPlus*, 1, P.p: 13-35. DOI:10.4074/S0013754517001033.
31. ShirvaniNaghani, M; Edrisi, A. & MoshirEstekhareth, Z. S. (2022). Investigating the relationship between belonging to urban and subjective well-being of Tehran citizens (A study among citizens over 18 years of age in Tehran). *The Journal of Sociological Urban studies*, 12 (42), P.p: 1-34 <https://sanad.iau.ir/Journal/urb/Article/1015996/FullText> (In Persian).
32. Ye, D; Ng, Y- K. & Lian, Y. (2015). Culture and Happiness. *Soc Indic Res*, 123, P.p: 519-547. DOI 10.1007/s11205-014-0747-y.

-
33. Kumar Patel, A. (2025). Assessment of Burden, Quality of Life, and Sexual Dysfunction in Spouses of Patients with Substance Use Disorder. *Quest Journals: Journal of Medical and Dental Science Research*, 12 (2), P.p: 57-58. DOI:10.35629/076X-12025758.
 34. Karhana, S; Tripathi, T; Mehdi, A. & Jain, A. (2024). Quality of Life among Spouses of Patient with Alcohol Dependence Syndromes: A Hospital Based Study. *PARIPEX-Indian Journal of Research*, 13 (8), P.p: 1-4. DOI: 10.36106/paripex
 35. Barzegari, M; Hooseinian, S. & Abdollahi, A. (2024). The relationship between couples' romantic perfectionism and women's quality of married life: the moderating role of self-compassion. *Journal title*, 18 (2), P.p: 16-30. <http://rph.khu.ac.ir/article-1-4475-fa.html>.
 36. Baradaran, M; AllahDadi, N. A. & Javadi, A. M. (2024). The sociological analysis of the relation among social capital and subjective well-being (Case: Students of Lorestan University), Retrived from: <https://civilica.com/doc/2184685>.